

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشق‌ری
فرستنده: محمود شاداب
۱۸ دسمبر ۲۰۱۸

[هواي وصل]

سوی عدم اگر چه ز جور تو پر زدم
صدپاره ساختم دل خود را، به تیغ عشق
امشب ز دست هجرتو این هردو دست را
گفتم اگر چه راز محبت برای غیر
تا سگرت لب تو رسیدست بر لبم
دیشب به جای غیر بر رفتی و من ز رشک
مرغ دلم به آتش شوق کباب شد
مقصود من ز شام غریبان روا نشد
امشب تمام شب به خدا ای عزیز من
از بهر جان خلاصی خود نزد مردمان
فرهاد وار عشق‌ری در بیستون غم
چون سبزه باز از سر کوی تو سر زدم
تا شانه ای به زلف تو ای موکمر زدم
گاهی به سینه، گاه به رو، گاه به سر زدم
سر تا به پا به گوش تو بیدادگر زدم
آتش به کارخانه قند و شکر زدم
ناخن شیر تا به سحر در جگر زدم
از بسکه در هوای وصال تو پر زدم
دست طمع به دامن فیض سحر زدم
سر را ز درد هجر به دیوار و در زدم
خود را ز راه و رسم جهان بی خبر زدم
برجای تیشه یک دو سه مستی به سر زدم